

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(مسئله ۵۵): من كان جنباً في شهر رمضان في الليل لا يجوز له أن ينام قبل الاغتسال إذا علم أنه لا يستيقظ قبل الفجر للاغتسال، و لو نام واستمر إلى الفجر لحقه حكم البقاء متممداً فيجب عليه القضاء والكفارة، و اما إن احتمل الاستيقاظ جاز له النوم و إن كان من النوم الثاني أو الثالث أو الازيد، فلا يكون نومه حراماً، و إن كان الاحوط ترك النوم الثاني فما زاد، و إن اتفق استمراره إلى الفجر، غاية الامر وجوب القضاء أو مع الكفارة في بعض الصور كما سيتبين.

مسئله ۵۵ که مورد بحث امروز ما می باشد این است که اگر کسی در شب ماه رمضان جنب باشد آیا جایز است قبل از اغتسال بخوابد یا جایز نیست؟ صاحب عروة می فرمایند در صورتی که علم دارد که اگر بخوابد بیدار نخواهد شد اگر بخوابد حکم متمم بقاء بر جنابت را دارد یعنی همانطور که اگر کسی عمداً باقی بر جنابت می ماند روزه اش باطل بود و قضا و کفاره هم داشت در مانحن فيه هم همینطور می باشد، البته در این مسئله ما از حکم تکلیفی بحث می کنیم و مسائل مربوط به حکم وضعی بعداً خواهد آمد بنابراین کسی که علم دارد به اینکه اگر بخوابد بیدار نخواهد شد خوابیدن بر او حرام می شود و حکم متمم بقاء بر جنابت را دارد یعنی علاوه بر حکم تکلیفی که حرمت است روزه اش هم باطل است و قضاء و کفاره هم دارد. خوب اما اگر احتمال عقلائی بدهد که قبل از طلوع فجر بیدار خواهد شد و تمکن از غسل پیدا خواهد کرد در این صورت خوابیدن تکلیفاً برایش حرام نیست اما از لحاظ حکم وضعی اینکه اگر خوابید چه حکمی دارد و چه آثاری دارد در مسئله بعدی (۵۶) بحثش خواهد آمد.

(مسئله ۵۶): نوم الجنب في شهر رمضان في الليل مع احتمال الاستيقاظ أو العلم به إذا اتفق استمراره إلى طلوع الفجر على أقسام: فإنه إما أن يكون مع العزم على الترك الغسل، و إما أن يكون مع التردد في الغسل و عدمه، و إما أن يكون مع الذهول و الغفلة عن الغسل، و إما أن يكون مع البناء على الاغتسال حين الاستيقاظ مع

اتفاق الاستمرار، فإن كان مع العزم على ترك الغسل أو مع التردد فيه لحقه حكم تعمد البقاء جنباً، بل الاحوط ذلك إن كان مع الغفلة و الذهول ايضاً و إن كان الاقوى لحوقه بالقسم الاخير، و إن كان مع البناء على الاغتسال أو مع الذهول على ما قوينا، فإن كان في النوم الاولي بعد العلم بالجنابة فلا شيء عليه و صح صومه، و إن كان في النوم الثانية بأن نام بعد العلم بالجنابة ثم انتبه و نام ثانياً مع احتمال الانتباه فأتفق الاستمرار و جب عليه القضاء فقط دون الكفارة على الاقوى و إن كان في النوم الثالثة فكذلك على الاقوى و إن كان الاحوط ما هو المشهور من وجوب الكفارة ايضاً في هذه الصورة، بل الاحوط وجوبها في النوم ايضاً، بل و كذا في النوم الاولي ايضاً إذا لم يكن معتاد الانتباه و لا يعد النوم الذي احتلم فيه من النوم الاول، بل المعتبر فيه النوم بعد تحقق الجنابة، فلو استيقظ المحتمل من نومه ثم نام كان من النوم الاول لا الثاني.

صاحب عروة در این مسئله بحث را برده اند پیرامون کسی که احتمال بیدار شدن را می دهد که این به چند قسم تقسیم می شود؛ اول اینکه احتمال بیدار شدن را می دهد ولی قصد غسل کردن را ندارد یعنی طبق فرمایش صاحب عروة یا عزم بر ترک اغتسال دارد و یا عزم بر اغتسال ندارد که ایشان دومی را معیار قرار داده است زیرا در روزه لازم است که قصد بر اغتسال داشته باشد و همینکه قصد نداشته باشد کافی است که این شخص عامد بقاء بر جنابت به حساب آید، البته این تقسیم بندی را ایشان از جواهر گرفته اند چرا که صاحب جواهر در ص ۱۲۱ از جلد ۱۷ جواهر مسئله را به چهار قسمت تقسیم کرده اند؛ اول اینکه می داند و یا عادت بر بیدار شدن دارد ولی قصد غسل کردن را ندارد، دوم اینکه تردید در غسل کردن دارد مثلاً به خاطر سردی هوا و مشقت غسل در سرما، سوم اینکه ذهول و غفلت از غسل کردن داشته باشد که آیت الله خوئی اعلی الله مقامه این قسم را به این صورت تصور کرده اند که مثلاً امشب احتمال دارد که هم اول رمضان باشد و هم آخر شعبان به همین خاطر این شخص غفلت از غسل کردن کرده چون همیشه عادتش بر این بوده که وقتی در شب جنب می شده بعد از طلوع فجر برای نماز صبح غسل می کرده و امشب هم که احتمال دارد اول رمضان باشد غفلت کرده و طبق عادت

همیشگی خودش قبل از طلوع فجر برای غسل کردن بیدار نشده و با ذهول و غفلت به خواب فرو رفته ، و چهارم این است که قصد غسل کردن را دارد که برای خود این قسم چهارم هم صوری متصور می شود ؛ اول اینکه خوابید و تا طلوع فجر از خواب بیدار نشد و خواب ماند ، دوم اینکه خوابید و بیدار شد و در این خواب دوم تا طلوع فجر به خواب فرو رفت ، سوم اینکه بعد از خواب دوم بیدار شد و در خواب سوم تا طلوع فجر به خواب فرو رفت ، خوب در خواب اول روزه اش صحیح است و نه قضا دارد و نه کفاره دارد و در خواب دوم روزه اش باطل است ولی فقط قضا دارد و در خواب سوم هم روزه اش باطل است منتهی هم قضا و هم کفاره دارد ، این قول مشهور بود که عرض شد .

خوب حالا ما باید از جهت اقوال و دلائلی که در مسئله وجود دارد بحث کنیم ، روایاتی که در این رابطه آمده اند چند طایفه می باشند ؛ طایفه اول ما دلّ علی صحّة الصوم مطلقا که خبر اول از این طایفه خبر سعید قماط است که خبر ۱ از باب ۱۳ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « محمد بن علی بن الحسین باسناده عن ابن ابی نصر ، عن ابی سعید القماط ، أنه سئل ابو عبد الله (ع) عنّ اجنب فی اول اللیل فی شهر رمضان فنام حتی أصبح ؟ قال : لا شیء علیه ، و ذلك أنّ جنابته کانت فی وقت حلال » . ابی سعید اسمش صالح بن سعید می باشد که در ص ۱۷۰ از جلد ۲۱ معجم رجال حدیث توثیق شده است و طریق صدوق به ابن ابی نصر صحیح است بنابراین این خبر سند صحیح می باشد .

خبر دوم خبر ۲ از همین باب ۱۳ می باشد ، خبر این است : « و باسناده عن العیص بن القاسم ، أنه سأل ابا عبد الله (ع) عن الرجل ینام فی شهر رمضان فیحتلم ثم یتقیظ ثم ینام قبل أن یغتسل ؟ قال : لا بأس » . این خبر هم سند صحیح می باشد ، بنابراین دو خیری که خواندیم دلالت دارند بر اینکه اگر کسی جنب شود و بخوابد و یا خواب بماند مطلقا روزه اش صحیح می باشد و دیگر اسمی از خواب اول و دوم و سوم برده نشده است .

روایاتی هستند که ما دلّ علی البطلان مطلقا که خبر اول از این طایفه خبر ۴ از باب ۱۶ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « و عنه عن ابراهیم بن هاشم ، عن عبد الرحمن

بن حماد ، عن ابراهیم بن عبد الحمید ، عن بعض موالیه قال : سألته عن احتلام الصائم ؟ قال : فقال : إذا احتلم نهارا فی شهر رمضان (فلا ینم) حتی یغتسل ، و إن اجنب لیلا فی شهر رمضان فلا ینام إلا ساعة حتی یغتسل ، فمن اجنب فی شهر رمضان فنام حتی یصبح فعلیه عتق رقبة ، و اطعام ستین مسکینا ، و قضاء ذلک الیوم ، و یتّم صیامه و لن یدرکه ابداء » . این خبر مرسل به ابهام واسطه می باشد و دلالت دارد بر اینکه اگر کسی در ماه رمضان خوابید و غسل نکرد باید کفاره بدهد و معلوم است که وقتی گفته شده باید کفاره بدهد یعنی روزه اش مطلقا باطل است و قضا هم دارد و دیگر اسمی از خوابهای سه گانه برده نشده است .

خبر دوم از این طایفه خبر ۳ از باب ۱۵ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « و عنه ، عن فضالة ، عن العلاء ، عن محمد بن مسلم عن احدحم (ع) قال : سألته عن الرجل تصیبه الجنابة فی شهر رمضان ثم ینام قبل أن یغتسل ؟ قال : یتّم صومه و یقضى ذلک الیوم إلا أن یتقیظ قبل أن یطلع الفجر ، فإن انتظر ماء یسخن أو یتقی فطلع الفجر فلا یقضى یومه » . این خبر هم که سند صحیح می باشد دلالت دارد بر اینکه مطلقا روزه اش باطل است یعنی از جهت نوم اطلاق دارد و ذکری از خوابهای سه گانه در این روایت برده نشده است .

اما طایفه سوم اخباری هستند که بین متعمّد و غیر متعمّد تفصیل می دهند ، خبر اول از این طایفه صحیح حلی است که خبر ۱ از باب ۱۶ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « محمد بن یعقوب ، عن علی بن ابراهیم ، عن ابیه و عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد جمیعا ، عن ابن ابی عمیر ، عن حماد ، عن الحلّی ، عن ابی عبد الله (ع) أنه قال فی رجل احتلم اول اللیل ، أو أصاب من أهله ثم نام متعمّدا فی شهر رمضان حتی أصبح ، قال : یتّم صومه ذلک ثم یقضیه اذا أفطر من شهر رمضان و یتسفر ربّه » . این خبر دلالت دارد بر اینکه چونکه متعمّد بوده روزه اش باطل است و هم قضا و هم کفاره دارد .

خبر دوم از این طایفه خبر دوم از همین باب ۱۶ می باشد ، خبر این است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسین بن سعید ، عن محمد بن ابی عمیر ، عن ابراهیم بن عبد الحمید ، عن ابی بصیر ،

عن ابی عبد الله (ع) فی رجل اجنب فی شهر رمضان باللیل ثم ترک الغسل متعمداً حتی أصبح ، قال : یعتق رقبةً أو یصوم شهرین متتابعین ، أو یطعم ستین مسکینا ، قال : إنه حقیق أن لا أراه یدرکه ابدأ . این خبر هم سندا صحیح است و این دو خبر دلالت دارند بر اینکه چونکه متعمد بوده روزه اش باطل است و هم باید قضا کند و هم کفاره بدهد .

خوب سه طایفه از اخبار را تا به حالا خواندیم که طایفه اول با طایفه دوم تعارض تباینی دارند زیرا طایفه اول می گویند اگر در خواب بماند صحیح است ولی طایفه دوم می گویند اگر در خواب بماند باطل است خوب اگر ما بودیم و این دو طایفه باید می رفتیم به سراغ مرجحات تا ببینیم که کدامیک را باید اخذ کنیم اما طایفه سوم از اخبار که مفصل می باشند شاهد می شوند برای رفع تعارض بنابراین طایفه سوم طایفه دوم را که می گفتند مطلقاً باطل است تخصیص می زنند یعنی می گویند در صورتی روزه باطل است که متعمد باشد ، خوب وقتی در صورت تعمد روزه باطل شود معلوم می شود که اگر متعمد نباشد روزه اش باطل نمی باشد پس با طایفه اول هم تعارض ندارد . خوب ما تا به حالا متعمد را خارج کردیم و گفتیم که اگر متعمد باشد روزه اش باطل می شود اما اگر متعمد نباشد و به خواب برود چطور ؟ در این صورت باید برویم سراغ اخباری که تفصیل می دهند بین خواب اول و دوم و سوم که یکی از آنها صحیحہ معاویة بن عمار است که خبر ۱ از باب ۱۵ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسن بن سعید ، عن حماد بن عیسی و فضالة ابن ایوب جمیعا ، عن معاویة بن عمار قال : قلت لابی عبد الله (ع) الرجل یجنب فی اول اللیل ثم ینام حتی یصبح فی شهر رمضان ؟ قال : لیس علیه شیء ، قلت فإنه استیقظ ثم نام حتی أصبح قال : فلیقض ذلك الیوم عقوبة » . این روایت دلالت دارد بر اینکه در خواب اول روزه اش صحیح است ولی در خواب دوم باید روزه اش را قضا کند .

خبر بعدی صحیحہ ابن ابی یعفور است که خبر ۲ از باب ۱۵ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « و عنه ، عن صفوان بن یحیی ، عن منصور بن حازم ، عن ابن ابی یعفور قال

: قلت لابی عبد الله (ع) الرجل یجنب فی شهر رمضان ثم ینام حتی یصبح ؟ قال : یتم یومه و یقضى یوماً آخر ، و إن لم یتیقظ حتی یصبح أتم یومه و جاز له » . این ابی یعفور همان شخصی است که حاج شیخ عباس قمی در کتاب تحفة الاحباب درباره او گفته است که به امام صادق (ع) عرض کرد یابن رسول الله اگر شما یک انار را نصف کنید و بگوئید نصفش حلال و نصفش حرام است من قبول دارم و تسلیم هستم ، خلاصه این خبر هم مثل خبر قبلی دلالت دارد بر اینکه اگر در نوم ثانی خوابید روزه اش باطل است و باید آن را قضا کند ولی کفاره ندارد . خلاصه اینکه ما در اول بحث عرض کردیم که صاحب عروة مطلب را به چهار قسمت تقسیم کرده اند ؛ اول اینکه عزم به غسل کردن ندارد که در این صورت مثل متعمد می باشد فلذا باید هم قضا کند و هم کفاره بدهد ، دوم اینکه تردید دارد که این هم مثل قسم اول است یعنی هم قضا و هم کفاره دارد زیرا روزه نیاز به قصد و عزم و نیت دارد ولی این شخص تردید دارد و در اینجا وقتی شخص می خواهد روزه بگیرد عزم به عدم لازم نیست بلکه عدم العزم به وجود کافی است یعنی عدم عزم مثل همان عزم به عدم است زیرا روزه عزم به وجود می خواهد یعنی نیت و قصد اینکه بیدار شود غسل کند و روزه بگیرد و وقتی اینطور نشد دیگر روزه نیست و وقتی روزه نیست می شود تعمد بقاء بر جنابت ، و اما قسم سوم این بود که غفلت و ذهول داشته باشد که صاحب عروة ابتدا این قسم را هم مثل قسم اول و دوم (متعمد بر بقاء) حساب کرده ولی بعداً می فرمایند اقوی این است که این قسم را جزء دسته دیگر یعنی آن جایی که تفصیل داده بود حساب کنیم زیرا عرفاً به این شخص متعمد بر بقاء بر جنابت نمی گویند و وقتی این طور شد داخل دسته سوم می شود یعنی باید تفصیل بدهیم و ببینیم در خواب اول یا دوم یا سوم بوده که بقیه اش بماند برای فردا

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

